

Introduction to the Reading 22 January 2023

In the Gospel of Matthew, chapter 8, we hear about a Roman centurion. His servant is sick and the centurion asks Jesus to heal him. The centurion thus shows great trust in Jesus. The centurion is not a Jew, but a Roman. Later, many people from non-Jewish nations will come to believe in Jesus. The sermon is also about trust in Jesus with a sermon text from the Letter to the Romans.

مقدمه 22.1.23

در انجیل متی، فصل 8، در مورد یک کاپیتان رومی می‌شنویم. خدمتکار او مریض است و کاپیتان از عیسی می‌خواهد که او را شفا دهد و از خود به جانب عیسی اعتماد زیادی نشان می‌دهد. کاپیتان یهودی نیست بلکه فردی رومی است. بعدها، بسیاری از مردم از ملل غیریهودی به عیسی ایمان می‌آورند. خطبه همچنین در مورد اعتماد به عیسی، برداشت شده از متن موعظه ای از نامه به رومیان است.

5. As Jesus went into Capernaum, a centurion came up to Him, begging Him [for help],

6. and saying, "Lord, my servant is lying at home paralyzed, with intense and terrible, tormenting pain."

7. Jesus said to him, "I will come and heal him."

8. But the centurion replied to Him, "Lord, I am not worthy to have You come under my roof, but only say the word, and my servant will be healed.

5. چون عیسی وارد کفرناحوم شد،
یک نظامی رومی نزدش آمد و با
التماس

6. به او گفت: «سرور من، خدمتکارم
مفلوج در خانه خوابیده و سخت درد
می‌کشد.»

7. عیسی گفت: «من می‌آیم و او را
شفا می‌دهم.»

8. نظامی پاسخ داد: «سرورم،
شایسته نیستم زیر سقف من آیی. فقط
سخنی بگو که خدمتکارم شفا خواهد
یافت.»

9. For I also am a man subject to authority [of a higher rank], with soldiers subject to me; and I say to one, 'Go!' and he goes, and to another, 'Come!' and he comes, and to my slave, 'Do this!' and he does it."

10. When Jesus heard this, He was amazed and said to those who were following Him, "I tell you truthfully, I have not found such great faith [as this] with anyone in Israel."

9. زیرا من خود مردی هستم زیر فرمان. سربازانی نیز زیر فرمان خود دارم. به یکی می‌گویم "برو،" می‌رود، و به دیگری می‌گویم "بیا،" می‌آید. به غلام خود می‌گویم "این را به جای آر،" به جای می‌آورد.»

10. عیسی چون سخنان او را شنید، به شگفت آمد و به کسانی که از پیش او می‌آمدند، گفت: «آمین، به شما می‌گویم، چنین ایمانی حتی در اسرائیل هم ندیده‌ام.»

11. I say to you that many [Gentiles] will come from east and west, and will sit down [to feast at the table, and enjoy God's promises] with Abraham, Isaac, and Jacob in the kingdom of heaven [because they accepted Me as Savior],

13. Then Jesus said to the centurion, "Go; it will be done for you as you have believed." And the servant was restored to health at that very hour

11. و به شما می‌گویم که بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و در پادشاهی آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب بر سر یک سفره خواهند نشست،

13. سپس به آن نظامی گفت: «برو! مطابق ایمانت به تو داده شود.» در همان دم خدمتکار او شفا یافت.

**Sermon for 22 January 2023 on
Romans 1:16,17**

Dear congregation!

1. The sermon text for today is in Romans chapter 1. Paul writes: "I am not ashamed of the Good News of Jesus. It is a power of God that saves everyone who believes - first of all the Jews, then also the Greeks. For through the Good News God's righteousness is made manifest. It happens because of faith and leads to faith. So, it is already written in the Scriptures: 'On account of faith the righteous shall obtain life.'" (Romans 1:16, 17)

**خطبه ۲۲/۰۱/۲۳ در رومیان
17+1:16**

جماعت عزیز

**1. متن خطبه امروز در باب اول رومیان است. پولس می نویسد: «من از بشارت عیسی خجالت نمی کشم. این قدرتی از خداوند است که همه کسانی را که ایمان دارند، اول یهودیان و سپس یونانیان را نجات می دهد. زیرا بشارت، عدالت خدا را آشکار می کند. این به خاطر ایمان اتفاق می افتد و به ایمان می انجامد. بنابراین قبلاً در کتاب مقدس نوشته شده است: "به ایمان، عادل حیات خواهد یافت."
(رومیان 17+1:16).**

2. I imagine people from different countries and in different life situations reflecting on this Bible text: 20-year-old Karim in Afghanistan, 30-year-old Kim in China and 40-year-old Benjamin in Germany. The three, I imagine, each prepare to speak about this text for their Bible circle. In this way, it should become clear what messages this Bible text can also have for our lives.

2. من تصور می کنم مردمی از کشورهای مختلف و در موقعیت های مختلف زندگی به این متن کتاب مقدس فکر می کنند: کریم 20 ساله در افغانستان، کیم 30 ساله در چین و بنیامین 40 ساله در آلمان. تصور می کنم هر سه نفر در حال آماده شدن برای گروه کتاب مقدس خود هستند تا درباره این متن صحبت کنند. این باید روشن کند که این متن کتاب مقدس چه پیام هایی را نیز می تواند برای زندگی ما داشته باشد.

3. Karim in Afghanistan. "I am not ashamed of the Good News." (Rom 1:16a) I am not at all ashamed of the Good News of Jesus. On the contrary, it is the best thing that has happened to me in my life. Two years ago, when Korean missionaries in Kabul gave me a New Testament in Dari and I read it, I thought: this can't be true. Is this how God is supposed to be? Don't all the hard commandments come from God? Isn't he the one who punishes people severely for their sins, in this world and in the hereafter?

3. کریم در افغانستان. «من از بشارت شرم نمی‌کنم.» (رومیان 1:16 الف) من اصلاً از مژده عیسی خجالت نمی‌کشم. برعکس: اینبهترین اتفاقی است که در زندگی ام برای من افتاده است. دو سال پیش، هنگامی که مبلغان کره ای در کابل "عهد جدید" را به زبان دریبه من دادند و من آن را خواندم، فکر کردم: این نمی‌تواند درست باشد. آیا خدا باید چنین باشد؟ آیا همه احکام سخت از جانب خدا نیست؟ آیا او نیست که مردم را به خاطر گناهانشان در دنیا و آخرت مجازات می‌کند؟

4. I then joined a small congregation of new Christians. The Christian brothers and sisters have strengthened my belief that Jesus is our God and Saviour. Since the Taliban are in power, we Christians have to hide. We continue to meet for Bible discussion and worship, but in secret, always in a different place. Yes, I confess the saving message of Jesus. This power of God has given my life a completely different turn.

4. سپس به جماعت کوچکی از مسیحیان جدید پیوستم. برادران و خواهران مسیحی به من تأیید کردند که عیسی، خدا و نجات دهنده ما است. از زمانی که طالبان به قدرت رسیده اند، ما مسیحیان مجبور بوده ایم خود را پنهان کنیم. ما برای مطالعه و عبادت کتاب مقدس به ملاقات خود ادامه می دهیم، اما در خفا، همیشه در مکانی متفاوت. بله، من پیام نجات عیسی را اعلام می کنم. این قدرت خدا به زندگی من چرخشی کاملاً متفاوت داده است.

5. Before, my life was just a struggle for survival and God added pressure and fear. Now my life is still a struggle for survival, under the Taliban more than ever before. But over my life shines the light of Jesus. He gave his life so that I could go to paradise after this life. Jesus gives my life a positive mood despite all the problems. Jesus loves me... I am important to him and no longer a nobody as before.

5. قبل از این، زندگی من فقط یک مبارزه برای بقا بود و خدا فشار و ترس بیشتری به من وارد میکرد. اکنون زندگی من همچنان در حال مبارزه برای بقا است، زیر دست طالبان بیش از هر زمان دیگری. اما نور عیسی بر زندگی من می تابد. جانش را داد تا بعد از این زندگی بهشت بروم. با وجود تمام مشکلات، عیسی به زندگی من روحیه مثبتی می دهد. عیسی من را دوست دارد. من برای او مهم هستم و مثل قبل هیچکس نیستم.

6. "Through the Good News God's righteousness is made manifest." (Rom 1:17a) What a wonderful sentence! God's righteousness does not mean: you worm, have you fulfilled the whole law? If not, off to hell with you! For Christians, God's justice means: Jesus pays the price for you, he goes to hell for me. And I can go to heaven and hear already today: Karim, you are my beloved son!

6. «از طریق بشارت عدالت خدا آشکار می شود.» (رومیان 1:17 الف) چه جمله شگفت انگیزی! عدل خدا به این معنا نیست که: ای کرم، آیا تمام شریعت را انجام دادی؟ اگر نه، به جهنم! برای مسیحیان، عدالت خدا به این معناست: عیسی بهای شما را می پردازد، او برای منبه جهنم می رود. و من می توانم به بهشت بروم و همین امروز می شنوم: کریم، تو پسر محبوب منی!

7. I first had to understand this as a young Christian: God is not a God of law, but of faith. God does not demand, God gives me His son who loves me and lifts me out of the dirt. I am allowed to trust. This is not always easy for me, sometimes the old fear comes up: is this really true, is God so merciful and full of love?

7. به عنوان یک جوان مسیحی، ابتدا باید این را می فهمیدم: خدا خدای قانون نیست، بلکه خدای ایمان است. خدا نمی خواهد، خدا پسرش را به من هدیه می دهد که مرا دوست دارد و مرا از خاک بیرون می کشد. من میتوانم اعتماد کنم. این همیشه برای من آسان نیست، گاهی اوقات ترس قدیمی ایجاد می شود: آیا واقعاً این درست است، آیا خدا اینقدر مهربان و پر از عشق است؟

8. If the Taliban find out that I'm a Christian, I'll be a dead man. And even otherwise we don't know how we will survive this winter. But I belong to Jesus now and he is stronger than death. With Jesus, even the Taliban cannot destroy me. Even if they kill me tomorrow, the day after tomorrow I will be with Jesus in heaven. But I want to be careful. My family needs me and this life here on earth - I want to live, but not forever under the Taliban. Jesus - help us.

8. اگر طالبان بفهمند من مسیحی هستم، مرده خواهم بود. و در غیر این صورت ما نمی دانیم چگونه در این زمستان زنده خواهیم ماند. اما اکنون من به عیسی تعلق دارم و او قوی تر از مرگ است. با عیسی، حتی طالبان هم نمی توانند مرا نابود کنند. حتی اگر فردا مرا بکشند، پس فردا با عیسی در بهشت خواهم بود. اما من می خواهم مراقب باشم. خانواده من، به من و این زندگی روی زمین نیاز دارند، من می خواهم زندگی کنم، اما نه همیشه زیر دست طالبان. عیسی به ما کمک کن

9. Kim in China. Yes, I confess Jesus. Yes, I love Jesus. He is my guiding star. He and not our head of state. I only respect him for he is our head of state at the moment. Jesus does not make mistakes. Our head of state makes many mistakes. First, he totally overdoes it with the caution with Corona - and our economy is going down.

9. کیم در چین. بله، من به عیسی اعتراف می کنم. بله من عاشق عیسی هستم او ستاره راهنمای من است. او و نه رئیس دولت ما. بیشترین احترام من این است که او در حال حاضر رئیس دولت ما است. عیسی اشتباه نمی کند. رئیس دولت ما اشتباهات زیادی می کند. اولاً او با احتیاط در مورد کرونا بیش از حد از آن استفاده می کند و اقتصاد ما به سمت پایین توسعه می یابد.

10. Now suddenly Corona is just like a cold and thousands of unvaccinated elders are dying of Corona every day. Jesus does not make mistakes; He is God after all. Our head of state is just a human being and has too much power for being a human being who makes mistakes. I don't worship him. But I have to be careful. Here we all have two faces: the official one when someone from the party is present or something is recorded. And the open face when we think we are just among friends.

10. اکنون ناگهان کرونا درست مانند سرماخوردگی است و هزاران سالمند واکسینه نشده هر روز بر اثر کرونا جان خود را از دست میدهند. عیسی هیچ اشتباهی نمی کند، او خداست. رئیس دولت ما فقط انسان است و قدرت زیادی دارد که انسان اشتباه کند. من او را نمیپرستم. اما باید مراقب باشم. همه ما در اینجا دو چهره داریم: رسمی، زمانی که یک نفر از حزب حضور دارد یا چیزی در حال ضبط است. و روی باز وقتی که فکر می کنیم فقط در بین دوستان هستیم.

11. In our Bible text, God's justice appeals to me above all. God gives me his righteousness through Jesus - free of charge. God says to me: I accept you as you are. In my eyes you are without blemish. Jesus bears your sins. You are righteous before me and free. I, in turn, trust God and say "thank you".

11. آنچه در مورد متن کتاب مقدس ما بیشتر برای من جذابیت دارد، عدالت خداست. خدا عدالت خود را از طریق عیسی به من میدهد، رایگان. خداوند به من میگوید:

من تو را همانگونه که هستی می پذیرم. از نظر من تو بی عیب و نقصی عیسی گناهان تو را تحمل می کند. تو در برابر من درست و آزادهستی. من به نوبه خود به خدا توکل می کنم و می گویم "متشکرم".

12. What a contrast to the school and university exam marathon here in China. It already started in kindergarten. Always be the best. Studying hard. Doing nothing but cramming for the exam for days on end. You have to get into a good school. Then you're at a good school and they say: you have to do everything to get into a good university. And then it's: you need a good university degree to get a good job. And when you get a good job... It never stops.

12. چه تضادی با مارا تن امتحانات مدرسه و کالج اینجا در چین. همه چیز از مهد کودک شروع شد. همیشه بهترین باش سخت مطالعه کن برای روزها هیچ کاری انجام نمی دهید، جز اینکه برای امتحانات انباشته می کنید. شما باید به یک مدرسه خوب بروید. آن وقت شما در یک مدرسه خوب هستید و به این معنی است که: باید هر کاری انجام دهید تا به یک دانشگاه خوب برسید. و بعد می گوید: برای داشتن یک شغل خوب به مدرک دانشگاهی خوب نیاز دارید. و وقتی یک کار خوب داشته باشی... هرگز متوقف نمی شود.

13. It also does something to my soul. You're only good if you perform. Watch out, your girlfriend's overtaking you. And as a woman it's true anyway: you have to be excellent to get the same job that a mediocre man gets. With Jesus there is a different climate. And also in our church with many young Christians. "I'm glad you're here!" "If you have a problem, we are here for you." "The pastor prays for you." "You are His beloved daughter."

13. این هم به روح من کمک می کند. شما فقط زمانی خوب هستید که اجرا کنید. مراقب باش دوست دخترت داره ازت سبقت میگیره و به هر حال به عنوان یک زن: برای بدست آوردن همان شغلی که یک مرد با استعداد متوسط بدست می آورد، باید عالی باشی. با عیسی آب و هوای متفاوتی وجود دارد. و همچنین در کلیسای ما با بسیاری از مسیحیان جوان «خوشحالم که اینجایی!» «اگر مشکلی داری، ما در کنارت هستیم.» «کشیش برایت دعا می کند.» «تو دختر محبوبش هستی.»

14. Who am I? Not foremost a Chinese citizen in a supposedly communist model state. Not foremost the daughter who is still unmarried and brings no honor to the family. Not foremost the student with good exams, who nevertheless only got a job in a mediocre company. I am a person approved by God!

14. من کی هستم؟ نه ابتدا یک شهروند چینی در یک کشور مدل ظاهرا کمونیستی. نه اول دختر که هنوز ازدواج نکرده و هیچ افتخاری برای خانواده به ارمغان نمی آورد. نه اول دانش آموز با امتحانات خوب، که فقط در یک شرکت با کیفیت متوسط شغل پیدا کرد. من یک فرد مورد تایید خدا هستم!

15. I am loved by Jesus. I trust Him and He gives me His strength. With Jesus I can live with the fact that I am not the best everywhere and that many criticize me. I don't live in the best state in the world either. But I belong to Jesus and with him I sit in the first row! Hallelujah!

15. عیسی من را دوست دارد. من به او اعتماد دارم و او به من قدرت می دهد. با عیسی می توانم با این واقعیت زندگی کنم که همیشه بهترین نیستم و بسیاری از من انتقاد می کنند. من در بهترین کشور دنیا هم زندگی نمی کنم. اما من به عیسی تعلق دارم و با او در ردیف اول می نشینم! سپاس خداوند را!

16. Benjamin in Germany. "I am not ashamed of the Good News." (Rom 1:16a) No, I am not. But I am also no longer the full-bodied confessor as I was 10 years ago, who tells everyone, whether they like it or not, that Jesus loves them. I have often experienced how this kind of confession is not received at all, and people even think I'm a crank. Unfortunately, so many people in Germany are so far away from Jesus, and even from God and faith in general.

16. بنیامین در آلمان. "من از خبر خوب شرمنده نیستم." (رومیان 1:16 الف) نه، من نیستم. اما من دیگر آن اعتراف کننده تتومندی مثل ۱۰ سال پیش نیستم که به همه بگویم، خواه ناخواه، عیسی آنها را دوست دارد. من اغلب تجربه کرده ام که چگونه این نوع اعتراف اصلاً خوب نمی شود، حتی مردم فکر می کنند که من یک آدم بدجنس هستم. متأسفانه، بسیاری از مردم در آلمان از عیسی بسیار دور هستند، حتی از خدا و ایمان به طور کلی.

17. I have learned to be more aware of the person I am talking to and to adjust my speech carefully to him.

"May I perhaps say a prayer for your sick mother?" "You know, it helps me to trust God and ask him for help when I have a lot of problems." "With Jesus, it's a longer story. For me He is very important."

17. یاد گرفته ام که نسبت به همتای خود آگاهی بیشتری داشته باشم و با دقت گفتارم را با او تنظیم کنم. «می توانم برای مادر بیمار دعا کنم؟» «می دانی، این به من کمک می کند که به خدا اعتماد کنم و وقتی مشکلات زیادی دارم از او کمک بخواهم.» «این یک داستان طولانی تر با عیسی است. برای من خیلی مهم است.»

18. I am more cautious with my confession, yes, and sometimes even more timid, more tentative, quieter with my faith. I no longer speak as one who has everything and knows everything, but as a Christian who is always on the way anew. God's justice - faith - gospel. Great words. I want to apply these words to the lives of the people here.

18. در اعترافاتم دقت بیشتری می کنم، بله، و حتی گاهی ترسو تر، آزمایشی تر، با ایمانم ساکت تر. من دیگر به عنوان کسی که همه چیز دارد و می داند صحبت نمی کنم، بلکه به عنوان یک مسیحی که همیشه در راه است صحبت می کنم. عدالت خدا، ایمان، انجیل. حرف های بزرگ، من می خواهم این کلمات را در زندگی مردم اینجا به کار ببرم.

19. With many of my peers - I am 40 - I see how they, perhaps, do many things well in their jobs, in their families. And yet somehow they seem insecure, they don't really know: what's the point of it all? What is the compass in my life? Many of them somehow construct their own identity. I also like being a husband and a family man, and I like working in my profession. But I'm glad that I don't have to define myself by that.

19. با بسیاری از همسالانم، من ۴۰ ساله هستم، من تجربه می کنم که چگونه آنها، بله، شاید بسیاری از کارها را در شغل خود، در خانواده خود به خوبی انجام دهند. و با این حال آنها به نوعی ناامن به نظر می رسند، واقعاً نمی دانم: هدف همه اینها چیست؟ قطب نما در زندگی من چیست؟ بسیاری هویت خود را به نوعی به هم می زنند. شوهر و خانواده بودن را هم دوست دارم و دوست دارم در شغلم کار کنم. اما خوشحالم که مجبور نیستم خودم را با آن تعریف کنم.

20. I have my centre in Jesus, in God. There I find love, support and security. That is where I am at home. That's where I find the strength to responsibly carry out my tasks in family and work. There I feel supported, even when problems get out of hand. There I get help in prayer every day and my life runs much more smoothly. I will always belong to Jesus, to God, and I will always remain His beloved son. That gives my life direction. I am content with my life. I have inner peace through Jesus.

20. مرکز من در عیسی، در خدا است. آنجاست که عشق، حمایت و امنیت پیدا می‌کنم. من آنجا در خانه هستم. آنجاست که قدرت می‌یابم تا مسئولیت‌های خانوادگی و کاری را مسئولانه بر عهده بگیرم. من در آنجا احساس حمایت می‌کنم، حتی اگر مشکلات از کنترل خارج شوند. من هر روز در دعا کمک می‌گیرم و زندگی من بسیار آسان‌تر است. من همیشه به عیسی تعلق دارم، به خدا و همیشه پسر محبوب او خواهم ماند. این به زندگی من جهت می‌دهد. من از زندگیم راضی هستم. من از طریق عیسی آرامش درونی دارم.

**21. Karim, Kim and Benjamin.
Different countries and life
situations. A Bible text.
Confessing Jesus. Being given
God's righteousness. Living
with God in faith and trust.
Having eternal life through
Jesus. Everyone experiences
faith a little differently. But it
is the same Jesus who gives
us strength, the same God
who makes us righteous.
Amen!**

**21. کریم، کیم و بنیامین.
کشورهای مختلف و موقعیت های
زندگی. یک متن کتاب مقدس به
عیسی متعهد شوید. عدالت خدا را
دریافت کنید با ایمان با خدا زندگی
کنید. داشتن زندگی ابدی از طریق
عیسی هر کس ایمان را کمی
متفاوت تجربه می کند. اما این همان
عیسی است که به ما نیرو می
دهد، همان خدایی که ما را توجیه
می کند،
آمین.**